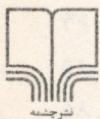


علی‌رضا سید احمدیان

خدا آنگانی
و پندگی

از پدیده‌اورشناسی روح هگل



شرجنه

فهرست

۷	فهرست اختصارات
۹	مقدمه: تاریخ تفسیر یک متن
۱۲	مسئله فلسفی در مقدمه پدیدارشناسی روح
۳۹	تفسیر ژان وال از «وجдан نگون بخت»
۵۱	چرخش انسان‌شناختی در تفسیر هگل
۵۸	تفسیر کوڑو از «خدایگانی و بندگی»
۷۶	جنون به روایت فرکو، به روایت دریدا
۹۰	نتیجه‌گیری
۹۳	یادداشت‌ها
۱۲۳	درباره ترجمه
۱۲۷	درباره ترجمه حمید عنایت
۱۳۰	درباره ترجمه اصطلاحات
۱۳۷	یادداشت‌ها
۱۴۱	ترجمه و اصل «خدایگانی و بندگی» [دوزبانه]
۱۴۲	«خدایگانی و بندگی» [متن فارسی]
۱۵۳	«خدایگانی و بندگی» [متن آلمانی]
۱۵۹	استدراکات ترجمه
۱۶۰	تفسیر «خدایگانی و بندگی»
۱۶۰	ایضاح در موضع تفسیر
۱۷۶	عنوان

۱۹۰	بند ۱
۲۰۶	بند ۲
۲۱۹	بند ۳
۲۲۵	بند ۴
۲۲۷	بند ۵
۲۲۹	بند ۶
۲۳۰	بند ۷
۲۴۶	بند ۸
۲۴۹	بند ۹
۲۵۲	بند ۱۰
۲۵۷	بند ۱۱
۲۵۸	بند ۱۲
۲۶۲	بند ۱۳
۲۶۷	بند ۱۴
۲۶۸	بند ۱۵
۲۶۹	بند ۱۶
۲۷۱	بند ۱۷
۲۷۳	بند ۱۸
۲۷۶	بند ۱۹
۲۸۲	یادداشت‌ها

[۳۳۸-۳۰۷] **ضمائی و ملحقات**

۳۰۷	I. فهرست پدیدارشناسی روح
۳۱۱	II. اعلان شخصی چاپ و انتشار پدیدارشناسی روح
۳۱۵	III. خدایگانی و بندگی در نوشته‌های نورنبرگ
۳۲۳	IV. واژه‌نامه
۳۳۵	V. فهرست منابع و مأخذ
۳۳۹	نمایه

مقدمه

تاریخ تفسیریک متن

جایی که می‌خواهیم درخت بلوطی را با توانمندی پیکرش و
گستردگی شاخه‌هایش و انبوه برگ‌هایش مورد مشاهده قرار
دهیم، به این راضی نمی‌شویم که به جای آن میوۀ کوچک
بلوطی را به ما نشان دهند.^۱

نخستین بار در اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، ترجمۀ فارسی همراه با تفسیری از فصل «خدایگانی و بندگی» از پدیدارشناسی روح هگل (البته به ترتیبی که خواهیم دید «ناقص») توسط مرحوم دکتر حمید عنایت با عنوان «خدایگان و بندگ» منتشر شد. این ترجمه بی‌هیچ دخل و تصریف و تصحیحی به چاپ‌های متعدد رسید و تا آن جا که نگارنده اطلاع حاصل کرده، ترجمۀ کامل این فصل تا طبع و نشر نخستین ترجمۀ کلّ این اثر به فارسی، یعنی تا سال ۱۳۸۲، در دسترس نبوده است.^۲ اقدام عنایت در ترجمۀ این فصل، به خصوص، متأثر از جو حاکم بر روایت فرانسوی هگل بود، یعنی جریان مهمی که توسط ژان وال در سده بیست آغاز شد و توسط مفسران بعدی و در رأس آن‌ها آلکساندر کوژو، در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به اوج رسید و نه تنها به شکل‌گیری تصویر خاصی از هگل در فرانسه منجر شد، بلکه مِن غیرمستقیم بر تفسیر کانت، هایدگر، نیچه، هوسرل، و نیز ایده‌ثولوژی‌های معاصر تأثیر نهاد. هگل فرانسوی، به‌واقع، تفسیر پرمایه‌ای بود که پس از چند دهه